

ایران در دائرة المعارف جودائیکا

نویسندگان: آمنون نتصر، منون شیلواه
مترجم: امیرحسین بابالار

◆ اشاره:

دائرة المعارف در هر زمینه و موضوعی، مهم‌ترین مرجع و منبع علمی برای دستیابی به اطلاعات عمومی، اولیه و کلی است و در واقع این منبع است که یک تصویر و دریافت کلی از یک موضوع در ذهن مخاطب ایجاد می‌کند.

دائرة المعارف یهود یا جودائیکا از جمله دائرة المعارف‌های معروف است که نسخه جدید و ۲۲ جلدی آن در سال ۲۰۰۷ به بازار عرضه شده است. این مجموعه با نسخه قبلی که در سال ۱۹۷۲ منتشر شده بود تفاوت‌های بسیاری دارد و یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های ایجاد شده از نظر ما، مدخل مربوط به ایران در این مجموعه است که محتوی و نویسنده کاملاً تغییر کرده‌اند.

مدخل ایران در این مجموعه جدید توسط یک ایرانی معروف یهودی به نام آمنون نتصر نوشته شده است و طبیعی است که وی به عنوان مطلع از تاریخ و فرهنگ ایرانی کار جدیدی با توجه به تحولات ایجاد شده عرضه نماید.

مهم‌ترین تحول در این عرصه که موجب دگرگونی در محتوا و نویسنده مدخل ایران شده است، وقوع انقلاب اسلامی ایران است. انقلابی که نقطه پایان بر تسلط بی‌چون و چرای غرب و صهیونیسم در ایران نهاد و یک دوستی تمام عیار میان سران چپ‌اولگر را به یک دشمنی ابدی تبدیل نمود که سران انقلاب جز به محو کامل موجودیتی به نام اسرائیل رضایت نمی‌دهند.

در مدخل حاضر مؤلفه‌های قدیمی از نوع تاریخ‌نگاری یهودی و صهیونیستی از جمله مظلوم‌نمایی، برشمردن آزار و اذیت مسلمانان و در عوض مفید بودن آنها مکررا تکرار شده است. ضمن آنکه اطلاعات آماری زیادی در حوزه‌های جمعیتی، شغلی، تحصیلی و مهاجرت ارائه کرده است. و تعجب از اینکه چرا به موضوعاتی که در نسخه قبلی پرداخته شده بود، در این چاپ پرداخته نشده است از جمله یهودیان کرد. آمنون نتصر به عنوان نویسنده مدخل ایران در جودائیکا بیشتر سعی دارد که با تلطیف چهره یهود در ایران و موقعیت و جایگاه بحقی که برای آن تصویر کرده است، این نکته را القاء کند که جمهوری اسلامی پس از وقوع انقلاب اسلامی در ایران، آغازگر نوعی جدید از یهودستیزی در ایران و حتی منطقه است و برای ارائه مصداق از این ادعا به مواضع جناب آقای احمدی‌نژاد نیز اشاره می‌کند.

در واقع این نگرش و رویکرد از سوی نتصر شیوه‌ای غیر معمول و حتی نامعقول در دائرة المعارف نویسی است که تنها باید در نشریات و مجلات به دنبال آن گشت و نه در آثار و مراجعی همچون جودائیکا. نتصر با قلم خود بر این تصور که تمام یهودیان ایران صهیونیست هستند، مهر تأیید می‌زند و به هیچ عنوان قائل به احترامی نیست که جمهوری اسلامی ایران به اقلیت‌ها می‌دهد. گویی او در این نوشته خود به یهودیان ایران نیز این رهنمود را می‌دهد که به فلسطین اشغالی مهاجرت کنند و همچون او در قتل و اشغال و آوارگی مسلمانان شریک شوند.

ایران (با نام رسمی جمهوری اسلامی ایران) کشوری است در جنوب غرب آسیا که قبل از سال ۱۹۳۵ (۱۳۱۲ خورشیدی) با نام پارس شناخته می‌شد.^۱ مساحت این کشور ۱/۶۴۸/۱۹۵

۱. این ادعا عمدتاً از سوی نویسندگان یهودی نیز مورد تأکید است.

کیلومتر مربع است و دارای ۲۸ استان، ۷۱۴ بخش، ۷۱۸ شهرستان و ۲۲۵۸ روستا می‌باشد.^۱ تا سال ۱۹۴۸ (۱۳۲۷ خورشیدی) یهودیان در حدود یکصد شهر و روستای این کشور پراکنده بودند. تخمین زده می‌شود که در آن زمان تعداد آنها بین ۱۰۰/۰۰۰ تا ۱۲۰/۰۰۰ نفر بوده باشد.

نام ایران برای سراسر فلات ایران از دوره ساسانیان (۶۵۰ - ۲۲۴ م) و همچنین در ادبیات کلاسیک مانند شاهنامه فردوسی (در حدود قرن دهم میلادی) مورد استفاده بوده است. پارس به عنوان نام این کشور توسط خارجی‌ان استفاده می‌شد؛ به لحاظ جغرافیایی این نام به ایالت فارس در جنوب این کشور باز می‌گشت که پادشاهی هخامنشیان به زعامت کوروش کبیر^۲ از آنجا پای بر عرصه وجود نهاد. نام این کشور در سال ۱۹۳۵ م و به احتمال زیاد تحت تأثیر روابط مستحکم آلمانی - ایرانی که در

ذکر این نکته ضروری است که حکومت رضاشاه آغازگر عصری از آزادی نسبی و فرصت‌های اجتماعی و اقتصادی برای یهودیان و سایر جمعیت‌های غیر مسلمان بوده است. در این دوران، یهودیان در تجارت، صنعت و جهانگردی فعال بودند. یهودیان بسیار زیادی به بالاترین مراتب شهرت و ترقی روزافزون در تاریخ مدرن ایران دست یافتند.

سال‌های دهه ۱۹۳۰ برقرار بود مجدداً به ایران برگردانده شد. کارگزاران و مستشاران آلمانی زیادی که در آن دوران در ایران به سر می‌بردند تأکید فراوانی بر ریشه به اصطلاح آریایی ایرانیان داشتند که در فضای ملی‌گرایانه آن زمان به شدت مورد توجه قرار می‌گرفت. نوع ملی‌گرایی رایج در ایران اجازه هرگونه فعالیت اجتماعی و سیاسی مرتبط با کشورهای خارجی

۱. این آمار کمی تغییر کرده است. از جمله اینکه تعداد استان‌های جمهوری اسلامی ایران به ۳۰ استان می‌رسد.
۲. لقب کبیر عمدتاً از سوی یهودیان به چند شخصیت و یا واقعه از جمله انقلاب فرانسه اطلاق می‌شود.

را سلب می‌کرد، و بنابراین انجام تمامی فعالیت‌های کمونیستی و صهیونیستی در زمان حکومت رضاشاه (۴۱ - ۱۹۲۵م) ممنوع شد.^۱ ضمناً مشکلاتی پیش روی یهودیانی که قصد مهاجرت به سرزمین اسراییل را داشتند وجود داشت. هر چند ذکر این نکته ضروری است که حکومت رضاشاه آغازگر عصری از آزادی نسبی و فرصت‌های اجتماعی و اقتصادی برای یهودیان و سایر جمعیت‌های غیر مسلمان بوده است. در این دوران، یهودیان در تجارت، صنعت و جهانگردی فعال بودند. یهودیان بسیار زیادی به بالاترین مراتب شهرت و ترقی روزافزون در تاریخ مدرن ایران دست یافتند. از میان آنها می‌توان به حمیم موره^۲ و مرتضی معلم^۳ و سلیمان حمیم^۱ در آموزش و پژوهش؛ ایرج لاله‌زاری^۲ و شموئیل رهبر^۲ در علوم؛

۱. با این دیدگاه به سادگی نمی‌توان در خدمات برجسته رضاشاه به یهودیان و صهیونیسم شک نمود. ولی به هر ترتیب نزدیکی او به آلمان هیتلری فرصت خوبی جهت زنده کردن مباحث جنگ دوم جهانی و بحث هولوکاست است.

۲. Haim Moreh - خاخام حمیم موره فرزند حاجی مردخای بن الیاهو شیرازی متولد ۱۲۵۱ شمسی در تهران است. نام کامل وی حمیم الیاهو بود و در دو سالگی به دلیل نامعلوم از هر دو چشم نابینا می‌شود. در سال ۱۲۷۷ شمسی هم‌زمان با افتتاح اولین مدرسه آلیانس در تهران در ۲۶ سالگی مشغول تدریس زبان عبری و شرعیات در آن مدرسه می‌شود. وی ۳ کتاب به فارسی‌یهود تألیف نموده است. از جمله *برخ حمیم (راه زندگی)*، *گودآت مردخای (عظمت مردخای)* و *ید الیاهو (دست‌های الیاهو)*. از وی همچنین کتابی به زبان فارسی با عنوان *بیانات موره* منتشر شده است.

در نوشتن کتب مذکور افرادی همچون سلیمان حمیم، سلیمان کهن‌صدق و مسیو براسور، رئیس مدرسه آلیانس اصفهان، او را یاری می‌کردند؛ چرا که نابینایی وی مانع از نگارش این متون به دست خودش می‌شد (*افق بینا*، ش ۹، ص ۱۶، ۱۷).

وی از شخصیت‌های معروف مذهبی در میان یهودیان ایران در دوره معاصر می‌باشد. فرزند وی ابراهیم آنچنان‌که در کتاب *سازمان‌های یهودی و صهیونیستی در ایران* آمده است عضو هیأت مدیره انجمن کلیمیان تهران بوده است.

۳. Morteza Mo'allelem - مرتضی معلم از بنیانگذاران انجمن کلیمیان و مدرسه کورش و اولین رئیس کانون خیرخواه بود. او در کنار طبابت، فرهنگ فارسی به فرانسه را نیز تدوین نمود. او از فارغ التحصیلان آلیانس بوده

مرتضی نی داود^۱ و یوناہ دردشتی^۱ در موسیقی؛ مراد اریه^۲، حبیب القانین^۳، ابراهیم راد^۴

و گرایش‌های صهیونیستی داشته است. پیام او به ملت به اصطلاح اسرائیل در آغاز سال نو عبری که در روزنامه صدای اسرائیل منتشر شده است در کتاب گنجینه‌های طلایی موجود است.

او در اواخر مردادماه سال ۱۳۵۸ از دنیا رفت و تموز ارگان انجمن کلیمیان در شماره هشتم خود، مفصلاً در یک ستون از وی تجلیل نمود.

۱. Soleiman Haim - این حاخام در سال ۱۳۲۱ شمسی از دنیا می‌رود. او در این زمان ۷۰ سال سن داشته است.

صاحب لغتنامه فارسی - انگلیسی و فارسی - عبری. سلیمان حیم از مسئولان کانون فرهنگی کورش کبیر در دوره پهلوی در ایران بود. در سند ساواک مندرج در کتاب *سازمان‌های یهودی و صهیونیستی در ایران* می‌خوانیم که وی از ابتدای سال ۱۳۳۷ دو بار به تل‌آویو عزیمت کرده است و در کمیسیون‌های بین‌المللی حزب صهیونیست شرکت کرده است (ص ۳۲۰). ضمن آنکه در جمع‌آوری کتب خطی قدیمی فارسی و عبری و ارسال آن به اسرائیل با همکاری دیدیا شوفط (خاخام یهودیان) نقش داشته است (ص ۲۶). وی همچنین لغتنامه عبری به فارسی را با حمایت مستقیم رئیس جمهور اسرائیل تهیه کرده است. (ص ۳۲۸).

شایان ذکر است که با این اوصاف صهیونیستی، *اتق بینا*، ارگان انجمن کلیمیان در شماره دهم خود به تجلیل از شخصیت وی می‌پردازد.

۲. Iraj Lālehzāri - اعضای برجسته انجمن کلیمیان تهران در دوره پهلوی.

۳. Shemooil Rahbar - دکتر شموئیل رهبر به واسطه تحقیقات علمی و کشف هموگلوبین و نامگذاری ۱۱ عدد از آنها به اسامی و عناوین ایرانی مشهور شده است. وی عضو هیأت امنای فدراسیون یهودیان ایرانی در کالیفرنیا و عضو فعال سازمان فرهنگی ایرانیان یهودی کالیفرنیا جنوبی می‌باشد.

۴. Morteza Ney Dāvoud - از مشاهیر موسیقی ایرانی که آهنگ «مرغ سحر» از او به جای مانده است. مرتضی نی‌داود در خانواده‌ای علاقه‌مند به موسیقی در سال ۱۹۰۰ به دنیا آمد و در سال ۱۹۹۰ در سانفرانسیسکو از دنیا رفت.

در کنار نی‌داود ۷۰ نوازنده یهودی در موسیقی ایران نقش داشته‌اند و برخی روحیات و ویژگی‌های فرهنگی و ادبی خود را در این موسیقی وارد کرده‌اند. ولی در مجموع آنچه‌آنکه آلن شائولی در تحقیق خود پیرامون تأثیرگذاری موسیقی یهودی بر موسیقی ایرانی و تأثیرپذیری از آن به نتیجه رسیده است، یهودیان عمدتاً تأثیر پذیرفته‌اند تا تأثیر گذاشته باشند.

ابراهیم برال در پاسخ به این سؤال که چرا نام نی‌داود بر خانواده مادریتان نهاده شده می‌گوید: مشهورترین

دایی‌ام، مرتضی نی‌داود در محضر استاد درویش‌خان شاگردی می‌کرد. او به پدر بزرگم می‌گوید که چون همگی استعداد ویژه‌ای در موسیقی دارید، نام فامیلتان را نی‌داود کنید که زیرمجموعه دستگاه همایون است. (افق بینا، ش ۳۳، ص ۱۲).

۱. Yonah Dardashti - یوناہ دردشتی، متولد ۱۹۹۰ و آشنا به آواز.

۲. Morād Ariyeh - از نمایندگان بحث برانگیز و صهیونیست یهودیان در مجلس تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در دوره‌های ۱۸ و ۱۹ این مجلس. معروف است که وی به محمدرضا پهلوی در دوران آوارگی‌اش در خلال کودتای ۲۸ مرداد در رم چک سفید امضا برای تأمین مایحتاجش داده است.

۳. Habib Elghanaian - حبیب‌الله القانین پس از انقلاب اعدام شد و با سنگ قبری ناآشنا در گورستانی در خیابان خراسان که متعلق به یهودیان است مدفون گشت. در خدمات وی به صهیونیسم به یک سند از ساواک می‌توان اشاره کرد که در مورد وی می‌گوید:

آقای حاج حبیب القانین رئیس انجمن کلیمیان تهران و سرمایه‌دار معروف در حال حاضر مشغول احداث ساختمان بزرگ چندین طبقه در بین راه هرصلیا و تل‌آویو در اسرائیل می‌باشد و بلندی این ساختمان سه برابر بلندی ساختمان آلومینیوم یا پلاسکو در تهران می‌باشد [که متعلق به وی است].

(سازمان‌های یهودی و صهیونیستی در ایران، ص ۱۷)

۴. Ebrāhim Rād - سندی از ساواک وی را این چنین معرفی می‌کند:

ابراهیم (قرین) راد که نام سابقش میزراحی بوده، رئیس شرکت سهامی کارتن ایران و همچنین شرکت برنت می‌باشد. شخص مذکور چه به وسیله سندسازی و چه شخصا و چه به وسیله ایادی (مورد اطمینان) خویش ظاهراً به صورت قانونی و در حقیقت به صورت غیر مجاز از ایران ارز خارج می‌نماید و همیشه با استفاده از ریزه‌کاری‌های امور تجارت یکی دو برابر سرمایه خویش اعتبار در اختیار دارد. مشارالیه به طرز محسوسی سعی دارد با پول و ثروتی که در ایران عایدش می‌گردد حتی‌الامکان سود حاصله را به اسرائیل منتقل نماید و به همین جهت کارمندانش که یهودی هستند (و در بعضی موارد غیر یهودیان مورد اعتمادش) اخلاقاً مقید شده‌اند که حداقل چند روز از تعطیلات سالیانه خود را در اسرائیل بگذرانند... و در جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل (۱۹۶۷م / ۱۳۴۶ش) راد با کمک سکرتر خود به نام زوزو باخاش اقدام به جمع‌آوری [پول] به نفع اسرائیل از سرشناسان یهود ایران نمود و در تمام این مدت چه خودش و چه خانم مزبور با نمایندگی و فرستاده‌های اسرائیل در تماس بودند. ابراهیم راد حتی‌الامکان ترتیبی می‌داد که مالیات کمتر از میزان مقدره به وی تعلق گیرد. به طور کلی شایع است نامبرده با همکاری موشه دایان (وزیر دفاع اسرائیل) در کشور مزبور اقدام به کار

بسیاری شخصیت‌های دیگر در اقتصاد یاد کرد.^۱

با تسخیر ایران به دست نیروهای نظامی روسیه و بریتانیا در آگوست سال ۱۹۴۱ (مرداد ۱۳۲۰ خورشیدی) و کناره‌گیری رضا شاه از قدرت در سپتامبر (شهریور) همان سال، ایران عصر جدیدی از دموکراسی و آزادی نسبی را که قبل از آن هرگز به خود ندیده بود تجربه کرد. یهودیان کار خود را در بهره بردن از این موقعیت آغاز کردند و از سال ۱۹۴۲ به بعد روند نوسازی فعالیت‌های اجتماعی و صهیونیستی‌شان را از سر گرفتند. در خلال سال‌های دهه ۱۹۴۰، یک دوجین از سازمان‌های یهودی در تهران و دیگر شهرهای بزرگ ایران مثل شیراز، اصفهان، همدان، کرمانشاه و سنندج پدیدار شدند. در میان این سازمان‌ها به موارد زیر اشاره می‌شود: سازمان‌های گوناگون جوان‌ها با نام کانون جوانان^۲ ها-هیستادروت‌ها صیونیت^۳، جنبش خلوتص^۴، بیمارستان یهودیان [کانون خیرخواه یا بیمارستان دکتر سپیر]،

آپارتمان‌سازی کرده است و نماینده وی در اسرائیل یک نفر ایرانی یهودی است به نام نادر دادبخش که در اسرائیل مقیم است و ضمناً در بانک‌های ایران دارای حسابی است که راد کلیه معاملات را از حساب مزبور وکالتاً برداشت می‌نماید و با این عمل نامبرده حساب شخصی قابل توجهی برای خودش ایجاد نمی‌کند... مقداری از مکاتبات نامبرده تحت نام پیتر نیوتون انجام می‌گیرد و صندوق پستی وی نیز به نام شخص دیگری است و به طور کلی در حاشیه امور تجارت اعمالی نیز از وی سر می‌زند (مانند موارد فوق) که مشکوک به داشتن فعالیت‌های سیاسی جلوه می‌کند و در بعضی موارد شنیده شده است که فعالیت اطلاعاتی دارد و سازمان مسئول وی نیز سازمان اطلاعات انگلستان است. (سازمان‌های یهودی و صهیونیستی در ایران، ص ۱۸).

۱. معلوم نیست که آزمون نتصر به عنوان نویسنده این متن از دائره‌المعارف جودائیکا که خود نیز از افراد مشهور ایرانی و یهودی است، چرا به ذکر این افراد به عنوان نمونه‌هایی از شخصیت‌های علمی، هنری، مذهبی و اقتصادی یهودی ایرانی پرداخته است. در واقع نه تنها این افراد آنچنان که بوده است، معروف و خوشنام نبوده‌اند، بلکه افراد معروف‌تر دیگری وجود داشته‌اند که کارنامه خدمات آنها به صهیونیسم حجیم‌تر و تأسفاتر است.

2. kânune Javânân

3. Ha-Histadrut ha-Ziyyonit

مدارس آموزشی اوزارها- توراها^۲ و سازمان زنان؛ مدارس اُرت^۳؛ روزنامه‌هایی مانند عالم یهود^۴، ییسراییل^۵، سینا^۶ و غیره^۷، دانشگاه‌ها، دانشسراها، مدارس و دبیرستان‌های دولتی به نسبت قبل بیشتر در دسترس دانش‌آموزان و معلمان یهودی قرار گرفت. یهودیان قادر بودند با مشکلات کمتری در قیاس با قبل به استخدام ادارات دولتی دربیایند. این آزادی نسبی همچنین موجب افزایش احزاب فاشیست مثل حزب پان ایرانیست که یهودیان را به مثابه عناصر خارجی سامی نژاد نامطلوب در نظر می‌گرفتند گردید.^۸ حزب توده طرفدار یهودیان بود و نخبگان

1. the Halutz Movement
2. Qzar ha-Torah
3. ORT Schools
4. Ālame Yahoud
5. Yisrāel & Sinā
6. Sinā

۷. برخی سازمان‌های یهودی و صهیونیستی دیگر همچون: آلیانس، تشکیلات صیونیت ایران، آژانس یهود (سوخنوت)، انجمن فرهنگی اوتصر هتورا (گنج دانش)، انجمن کلیمیان تهران، صندوق ملی یهود، سازمان بانوان و جوانان هاتف، سازمان جوانان یهود، سازمان دانشجویان یهود ایران، کانون فرهنگی کورش کبیر، انجمن علمی پزشکان یهود ایران، انجمن فرهنگی و بهداشتی یهود ایران، کانون کرمل، باشگاه وایزمن، جامعه فارغ‌التحصیلان یهودی دانشگاه‌ها، کانون پیشبرد اجتماعی و فرهنگی یهود، انجمن خیریه تعاون، انجمن فرهنگی ستایش یهود باغ صبا، جوینت، کمیته توزیع مشترک، کمپ بهشتیه، مگبیت، بت‌دین (دارالشرع یهود)، کلوپ منورا، جمعیت سری ابنای صهیون، انجمن اتفاق و ... نیز در ایران دوره پهلوی فعال بودند (سازمان‌های یهودی و صهیونیستی در ایران، ص ۶، ۷).

۸. منشی‌زاده رئیس حزب پان ایرانیست در یکی از سخنرانی‌های خود می‌گوید:

جهود در میان ما چه می‌خواهد؟ همین که خون ایرانی را آلوده کند... ما روابط صحیح با دولت اسرائیل را خواهیم داشت، اما به جهود اجازه ایرانی بودن و شدن نمی‌دهیم. (فصلنامه مطالعات ایرانی، ش ۱، ص ۵۸).

در واقع این سخنان به منزله تقویت صهیونیسم و تشویق مهاجرت یهودیان به فلسطین می‌باشد. این سیاست را می‌توان در عملکرد دولت در آن دوره در خصوص یهودیان مهاجر از سایر کشورها به ایران و سپس اسرائیل مشاهده نمود. کتاب دولت ایران و متخصصان مهاجر آلمانی، نشر سازمان اسناد ملی ایران، به ما می‌گوید که

یهودی نیز عموماً از همفکران این حزب محسوب می‌شدند و چند صد نفر از آنها هم از اعضای فعال این حزب بودند.^۱

◆ جمعیت

قدیمی‌ترین گزارش از جمعیت یهودیان ایران به قرن ۱۲ میلادی باز می‌گردد. و آن بنجامین تولدلاً بود که ادعا کرد جمعیتی در حدود ۶۰۰/۰۰۰ نفر یهودی در ایران حضور داشته‌اند. این رقم بعدها و در عهد صفویان (۱۵۰۱ - ۱۷۳۶م) به ۱۰۰/۰۰۰ نفر کاهش یافت و طبق گزارش دفاتر آلیانس^۲ در ایران کمی بعدتر و در آغاز قرن بیستم این رقم به ۵۰/۰۰۰ نفر کاهش یافت. این کاهش زیاد در تعداد یهودیان در نتیجه آزار و اذیت یهودیان، تغییر مذهب اجباری و قوانین مربوط به وراثت مسلمانان (که تشویق به تغییر مذهب می‌کرد و به فرد یهودی اجازه می‌داد در صورت تغییر آیین از میراث خانواده یهودی خویش بهره‌مند شود) و قتل عام یهودیان حاصل شد.^۴

چگونه دولت ایران در تقویت مهاجرت یهودیان به فلسطین اشغالی نقش داشته است و چگونه امثال منشی‌زاده با چهره پان‌ایرانیستی خود به اهداف صهیونیسم کمک می‌کردند.

۱. *ایرانیان یهودی و حزب توده ایران* از جمله تحقیقاتی است که توسط ایرج فرهمند نوشته شده است و البته در جلد چهارم از مجموعه یهودیان ایرانی در تاریخ معاصر منتشر شده است تا نقش و نفوذ یهودیان در پیدایی چنین تفکرات الحادی و بی‌ریشه در فرهنگ ایرانی و اسلامی کم‌رنگ و سطحی جلوه داده شود. ضمن آنکه اصلاً حضور آنان نیز انکار نشود.

۲. Benjamin of Tudela - سفرنامه وی توسط انتشارات کارنگ ترجمه و منتشر شده است. عمدتاً مشهور است که وی ارقام غیر واقعی از میزان و جمعیت یهودیان در ایران ارائه کرده است که بسیاری از محققان این آمار را قبول ندارند.

۳. Alliance Israélite Universelle «اتحاد جهانی اسرائیل».

۴. مورخان یهودی همچون حبیب لوی اصرار دارند تا سراسر تاریخ قبل از پهلوی را دوران یهودستیزی و کشتار و قتل و آوارگی تصویر کنند.

این مشکلات دست کم تا زمان انقلاب مشروطیت (۱۹۰۵ - ۱۹۰۵) در ایران ادامه داشت. براساس آمارهای غیر رسمی که نخستین بار توسط آژانس یهود در تهران منتشر شده است، در سال ۱۹۴۸ رقمی بین ۱۰۰/۰۰۰ تا ۱۲۰/۰۰۰ یهودی در ایران می‌زیسته‌اند. طبق گزارش‌ها، ارقام زیر - با اندکی تغییر و تفاوت - تعداد یهودیان در شهرهای بزرگ ایران را مشخص می‌کنند: تهران در حدود ۵۰/۰۰۰ نفر، سراسر کردستان ایران بین ۱۵/۰۰۰ تا ۲۰/۰۰۰ نفر، شیراز ۱۷/۰۰۰ نفر، اصفهان ۱۰/۰۰۰ نفر، همدان ۳۰۰۰ نفر، کاشان ۱۲۰۰ نفر، مشهد ۲۵۰۰ نفر، کرمانشاه ۲۸۶۴ نفر، یزد ۲۰۰۰ نفر (این رقم قطعی نیست). رقم معتبر و موثقی درباره آمار مربوط به سایر جماعت‌های یهودی که در سایر شهرها و روستاهای ایران نظیر بروجرد، داراب، فسا، گلپایگان، گرگان، کازرون، خوانسار، لاهیجان، ملایر، نوبندگان، رشت و بسیاری شهرهای دیگر پراکنده هستند وجود ندارد.

ضمناً از سال ۱۹۵۶ (۱۳۳۵ش)

سرشماری‌هایی هم هر ده سال یکبار توسط حکومت انجام شده است. این سرشماری‌ها معمولاً به لحاظ شناسایی یهودیان اعتبار چندانی ندارند، چرا که یهودیان چندان اشتیاقی به اینکه شناسایی بشوند نداشته‌اند. مثلاً سرشماری رسمی

سال ۱۹۶۶ (۱۳۴۵ش) تعداد یهودیان

**یهودیان ایران در طول تاریخ خود
هرگز به سطح وفور نعمت،
تحصیلات و تخصصی که در ده سال
پایانی رژیم شاه بدان دست یافتند
نرسیده بودند.**

ایران را ۶۰۶۸۳ نفر اعلام کرد، اما منابع یهودی رقمی بسیار بیشتر از ۷۰/۰۰۰ نفر را اعلام می‌کنند. داده‌های ارائه شده از سوی منابع مختلف، به ویژه منابع علاقه‌مند یا درگیر در امور

۱. تازه این تعداد از جمعیت یهودیان به غیر از یهودیانی است که ظاهراً مسلمان و در واقع یهودی هستند. این عده در یهودیت آنوسی نامیده می‌شوند و در ایران به جدیدالاسلام یا جدیدی معروف هستند.

جمعیت یهودی ایران، اختلافات زیادی با یکدیگر دارند.^۱

◆ شغل

ما به منبع معتبری که به مشاغل یهودیان در شهرها و اماکن اسکان آنها در ایران پرداخته باشد دسترسی نداریم. اطلاعات موجود نیز بسته به زمان و مکان متفاوت هستند، اما با وجود این ممکن است بتوان مشابَهت‌هایی در میان آنها یافت.

آمارهای معتبر بیشتری درباره دومین جمعیت بزرگ (یهودی) موجود در ایران در دست

داریم، یهودیان شیراز که احتمالاً تا حدودی نمایانگر مشاغل یهودیان در سایر نقاط ایران – به استثنای زرگران و موسیقی‌دانان که موجب شهرت و ناموری یهودیان شیرازی بودند – باشند. جدول زیر توسط دکتر لارنس لوئب^۲ که از آگوست سال ۱۹۶۷ تا میانه دسامبر سال ۱۹۶۸ مقیم شیراز بود و به تحقیق و تهیه گزارش درباره توزیع مشاغل می‌پرداخت تهیه شده است.

از میان این ۶۰/۰۰۰ نفری که مهاجرت کرده‌اند، در حدود ۳۵/۰۰۰ نفر مهاجرت به ایالات متحده آمریکا را ترجیح دادند، در حدود ۲۰/۰۰۰ نفر به اسرائیل رفته‌اند و ۵۰۰۰ نفر دیگر نیز زندگی در کشورهای اروپایی را برگزیده‌اند که عمدتاً در انگلستان، فرانسه، آلمان، ایتالیا یا سوییس مستقر شده‌اند.

۱. یوسف کهن نماینده یهودیان در دوره ۲۴ از مجلس در دوره پهلوی موفق به تصویب طرح پیشنهادی جهت حذف عبارات کلیمی و کلیمی از شناسنامه یهودیان شد و با این اقدام خود در مخفی نمودن یهودیان در جامعه مسلمین، گام مؤثری برداشت (برای اطلاع بیشتر به سازمان‌های یهودی و صهیونیستی در ایران، ص ۲۱ به بعد مراجعه شود).

2. Dr. Laurence Loeb

جدول شماره ۱ - مشاغل در شیراز، ۱۹۶۷ - ۱۹۶۸

درصد	تعداد	شغل
۱۲/۱۰	۴۹	دستفروش
۱۰/۳۷	۴۲	قمماش فروش
۶/۶۷	۲۷	زرگر
۶/۱۷	۲۵	خرازی فروش
۴/۶۹	۱۹	طیب
۴/۱۷	۱۷	پرستار - کارگر بیمارستان
۳/۹۵	۱۶	معلم - مدیر
۳/۴۶	۱۲	مهندس
۲/۹۶	۱۲	موسیقی دان
۲/۹۶	۱۲	مشروب فروش
۲/۹۶	۱۲	نزولخور
۲/۹۶	۱۲	نخریس
۲/۷۲	۱۱	تاجر صمغ کتیرا
۲/۲۲	۹	داروفروش
۲/۲۲	۹	خواربارفروش
۲/۲۲	۹	تره بار فروش
۱/۹۸	۸	آهنگر
۱/۷۳	۷	سنگ تراش
۱/۴۸	۶	کاری چی
۱/۴۸	۶	دفتردار
۱/۴۸	۶	املاک
۰/۹۹	۴	قصاب
۰/۹۹	۴	تکنسین
۰/۹۹	۴	خیاط
۰/۹۹	۴	کارگر صنعتی
۰/۹۹	۴	فروشگاه لوازم خانگی
۰/۹۹	۴	سرایدار مدرسه

علاوه بر آنچه در گزارش فوق وجود دارد، لوئب در شیراز ۴۱ نفر را یافت که دندانپزشک، آشپز، نجار، آرایشگر، تاجر حبوبات، کارگر ساده، کتابدار، ملا، کارگر رستوران، دلاک حمام، دباغ چرم، عکاس، کارگر سالن‌های زیبایی، کارمند فروشگاه لوازم خانگی، تاجر پشم یا کارگر لبنیاتی بودند. آنها ۱۰/۱۲٪ از نیروی

کاری جماعت یهودی را تشکیل می‌دادند.

همچنین ۸ نفر معادل ۱/۹۸٪ از افراد نیز فاقد شغل بودند.

جنگ شش روزه به عنوان اوج روابط
دوستانه ایران و اسرائیل، مخصوصاً
در باب مسائل جاسوسی و اطلاعاتی
مطرح می‌شود.

◆ **تحصیلات**

از سال ۱۸۹۸ تحصیلات مدرن یهودیان

در ایران در اختیار آلیانس بوده است. این

نهاده صرفاً در شهرهای بزرگ ایران مثل تهران (از سال ۱۸۹۸)؛ همدان (از سال ۱۹۰۰)؛ اصفهان (از سال ۱۹۰۱)؛ شیراز (از سال ۱۹۰۳)؛ سنندج (از سال ۱۹۰۳) و کرمانشاه (از سال ۱۹۰۴) فعال بوده است. در دهه دوم قرن بیستم این نهاد مدرسی را در شهرهای کاشان و یزد و همچنین برخی شهرهای کوچک نزدیک همدان مانند تویسرکان، بروجرد و نهاوند احداث نمود. به موازات مدارس آلیانس مدارس یهودی نظیر کورش^۱ در تهران و رشت نیز تأسیس شدند. در دوران رژیم پهلوی برخی از یهودیان نیز در مدارس غیر یهودی به تحصیل می‌پرداختند.

در سال‌های ۴۷ - ۱۹۴۶ مدارس اوزارها- توراها در تهران و سایر شهرها باز شدند. خاخام اسحاق میر لوی^۲ یهودی لهستانی الاصلی که از سال ۱۹۴۱ جهت سازماندهی امور مربوط به

اعزام دستجاتی از یهودیان به کنیسه‌ها و مقامات خاخامی روسیه به تهران آمده بود از طرف مرکز اوزار ها- توراہ در نیویورک برای تأسیس شبکه‌ای از مدارس در ایران منصوب و به کار گرفته شد. زمانی که موج عظیم مهاجرت به اسرائیل را در نظر می‌گیریم که موجب خروج یهودیان ایران در طول دهه ۱۹۵۰ گردید، درمی‌یابیم که اغلب مهاجران افرادی فقیر و عمدتاً فاقد مهارت یا تخصص خاصی بوده‌اند، و با عنایت به شرایط مناسب اقتصادی که کشور ایران در سال‌های دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ از آن برخوردار بود، و ارتقا و افزایش ثروت بخش عظیمی از جمعیت یهودی‌ای که هنوز در کشور باقی مانده بودند، توجه به تحصیلات شدت و قوت بیشتری گرفت. در سال‌های ۱۹۷۷ - ۱۹۷۸ در شهر تهران ۱۱ مدرسه اوزار ها- توراہ، ۷ مدرسه آلیانس و ۶ مدرسه مربوط به جامعه یهودیان شامل یک مدرسه فنی اُرت و مدرسه اتفاق که متعلق به یهودیان عراقی ساکن تهران بود، وجود داشت. این تصویر به واسطه خروج دسته‌جمعی یهودیان به دلیل انقلاب اسلامی به طور کلی دستخوش دگرگونی بسیار شد. پیش از تأسیس جمهوری اسلامی ایران، تعداد سه مدرسه ویژه یهودیان در شیراز و یک چنین مدرسه‌ای در هر یک از شهرهای اصلی این کشور وجود داشت. در انتهای قرن بیستم کلاً ۳ مدرسه یهودی در تهران، یکی در شیراز و یکی در اصفهان فعالیت می‌کردند. اغلب این مدارس به وسیله اوزار ها- توراہ احداث شده و تحت حمایت آن قرار داشتند (به نقل از نتصر^۱ ۱۹۹۶).



آمنون نتصر و پدیدیا شوفط

◆ آلیا (علیا)^۱

تسهیلات لازم جهت مهاجرت یهودیان به اسرائیل از طریق انجمن صیونیت در تهران (تأسیس به سال ۱۹۱۸م) و شاخه‌های آن در ۱۸ شهر بزرگ ایران فراهم شد و موجب تسریع آن گردید. آمارهای رسمی ذیل که توسط دولت اسرائیل منتشر شده است میزان مهاجرت یهودیان ایرانی به اسرائیل را نشان می‌دهد (تعداد ۳۵۳۶ نفر زیر برای سال‌های ۱۹۱۹ - ۱۹۴۸ به درستی و دقت منعکس کننده واقعیت نیستند، چرا که هزاران نفر از یهودیان ایرانی به شکل غیرقانونی (آلیابت) به اسرائیل مهاجرت کردند و در نتیجه مهاجرت آنها به ثبت حکومت قیمومیت بریتانیا در فلسطین^۲ و آژانس یهود^۳ نرسیده است).

جدول شماره ۲، مهاجرت یهودیان ایرانی به اسرائیل، ۱۹۱۹ - ۲۰۰۱

تعداد مهاجران	دوره
۳۵۳۶ نفر	۱۹۱۹ - ۱۹۴۸
۲۱۹۱۰ نفر	۱۹۴۸ - ۱۹۵۱
۱۵۶۹۹ نفر	۱۹۵۲ - ۱۹۶۰
۸۸۵۷ نفر	۱۹۶۱ - ۱۹۶۴
۱۰۶۴۵ نفر	۱۹۶۱ - ۱۹۷۱
۹۵۵۰ نفر	۱۹۷۲ - ۱۹۷۹
۸۴۸۷ نفر	۱۹۸۰ - ۱۹۸۹
۲۵۷ نفر	۱۹۹۰ - ۲۰۰۱
۷۸۹۴۱ نفر	جمع کل

اعتقاد بر این است که در شب عید استقلال^۱ در حدود ۲۰/۰۰۰ یهودی ایرانی الاصل در اسرائیل زندگی می‌کرده‌اند. در گذشته اکثر یهودیان ایرانی در اورشلیم (بیت المقدس) می‌زیستند در حالی که در آغاز قرن بیست و یکم میلادی آنها را باید اصولاً در تل‌آویو، هولون^۲، بات - یام^۳، ریشون لزیون^۴، کفر سابا^۵، نس صهیونا^۶ و ریهوت^۷ یافت. تعداد کمتری نیز در اورشلیم، نتانیا^۸، حیفا^۹، آشکلون [عسقلان]^{۱۰}، آشدود [اسدود]^{۱۱} و بئر سبع^{۱۲} را برای اقامت خود برگزیدند.

از سال ۱۹۴۸ یهودیان ایرانی مزارع^{۱۳} گوناگونی نظیر آگور^{۱۴}، آمیشاو^{۱۵} (که امروزه بخشی از پتخ تکواه^{۱۶} محسوب می‌شود)، آودون^{۱۷}، دوو^{۱۸}، اشبول^{۱۹}، گیواتی^{۲۰}، گیولیم^{۲۱}، هودایاه^{۲۲}،

۱. اشغال رسمی فلسطین و اعلان تشکیل دولت صهیونیستی در ۱۴ مه ۱۹۴۸ مطابق با ۲۴ اردیبهشت ۱۳۲۷ روی داده است و این رژیم قصد دارد که در سال ۱۳۸۷ شصتین سال اشغال فلسطین را در سطح داخلی و خارجی جشن بگیرد.

2. Holon
3. Bat - Yam
4. Rishon Le - Zion
5. Kefar Saba
6. Nes Ziyonah
7. Rehovot
8. Netanyah
9. Haifa
10. Ashkelon
11. Ashdod
12. Beersheba
13. moshav. Pl = moshavim
14. Agur
15. Amishav
16. Petah Tikvah
17. Avdon
18. Dovev
19. Eshbol
20. Givati
21. Givolim
22. Hodayah

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مارگالیوت^۱، ماسلول^۲، ملیوت^۳، نیس - حریم^۴، نتیه‌هاشایاراه^۵، نوه یمین^۶، نوگاه^۷، پامی تاشاز^۸، پتیش^۹، کادیم^{۱۰}، تالمی بیلو^{۱۱}، زروفه^{۱۲} و دیگر مزارع را احداث کرده‌اند.

پس از تغییر حکومت در ایران و به قدرت رسیدن [حضرت امام] خمینی [ره] حدود سه چهارم از ۸۰/۰۰۰ یهودی ایرانی، کشور ایران را ترک کردند. بسیاری از آنها به اسرائیل و ایالات متحده امریکا مهاجرت کردند، اما بخشی از آنها اقامت در کشورهای اروپایی را ترجیح دادند.

آمارهای رسمی اسرائیل نشان می‌دهند که در سال ۲۰۰۱ میلادی ۱۳۵۲۰۰ یهودی وجود داشته‌اند که ایرانی و یا اولیم^{۱۳} - یعنی افرادی که یکی از والدین آنها ایرانی بود - محسوب می‌شده‌اند. ۵۱۳۰۰ نفر از افراد فوق‌الاشاره در ایران و الباقی یعنی ۸۳۹۰۰ نفر دیگر در اسرائیل متولد شده‌اند.

یهودیان ایرانی در اسرائیل فعال شدند و به مراتبی بالا در زندگی دانشگاهی، در حوزه‌های اجتماعی و اقتصادی، سیاست و همین‌طور عرصه‌های نظامی دست یافتند. از سال ۱۹۵۵ آنها گروه زیادی از استادان دانشگاه را داشته‌اند؛ خاخام عزرا صهیون ملامد^{۱۴}، پروفیسور تلمود در

-
1. Margaliyyot
 2. Maslul
 3. Melilot
 4. Nes - Harim
 5. Netiv ha - Shayarah
 6. Neveh Yamin
 7. Nogah
 8. Pa' mei TaShaZ
 9. Patish
 10. Kadimah
 11. Talmei Bilu
 12. Zerufah
 13. Olim
 14. Rabbi Ezra Zion Melamed

دانشگاه عبری اورشلیم موفق به اخذ جایزه اسرائیل^۱ گردید.



شائول موفاز



ژنرال دان حالوتص



موشه کاتساو

تعدادی از نمایندگان کنست^۲ (مجلس نمایندگان اسرائیل)، دو تن از فرماندهان نیروی هوایی اسرائیل (ژنرال ایتان بن - الياهو^۳ و ژنرال دان هالوتص^۴)، دو نفر از فرماندهان ارشد نظامی (سرلشگر شائول موفاز^۵ و سرلشگر دان هالوتص)، یک وزیر دفاع، یک خاخام اعظم سفاردی (خاخام بخشی دورون^۶)، و رئیس جمهور اسرائیل موشه کاتساو^۷ [موسی قصاب] از جمله آنانند.

1. Israel Prize

2. Knesset

3. General Eiton Ben - Eliyaho

۴. General Dan Haluz - وی به دلیل بی‌کفایتی در فرماندهی جنگ ۲۳ روزه و شکست از حزب‌الله از سمت خود استعفا داد.

۵. Major General Shaul Mofaz - وی هم‌اکنون به عنوان یک وزیر از حزب کادیم در دولت صهیونیستی فعال است.

6. rabbi Bakhshi Doron

۷. Moshe Katzav - وی به دلیل رسوایی اخلاقی مجبور به استعفا از سمت خود شد.

◆ حضور نمایندگان در مجلس

نمایندگان یهودی در پارلمان ایران (مجلس) از زمان آغاز به کار آن در سال ۱۹۰۷ (۱۲۸۴ خورشیدی) عبارت از افراد زیر بوده‌اند: عزیزالله سیمانی^۱ (تاجری که جای خودش را تنها پس از چند ماه به آیت‌الله بهبهانی سپرد)؛ دکتر لقمان نهورای^۲، پزشک (۲۳ - ۱۹۰۹)؛ شموئیل حییم^۳، روزنامه‌نگار (۲۶ - ۱۹۲۳)؛ دکتر لقمان نهورای (۴۳ - ۱۹۲۳)؛ مراد اریه^۴، بازرگان (۵۶ - ۱۹۴۵)؛ دکتر موسی برال^۵، داروساز (۶۰ - ۱۹۵۶)؛ جمشید کشفی^۶، بازرگان (۶۸ - ۱۹۶۴)؛ لطف‌الله حی^۷، بازرگان (۷۵ - ۱۹۶۸) و یوسف کهن^۸، وکیل (۷۹ - ۱۹۷۵).

◆ روابط ایران - اسرائیل

روابط بین مهاجرنشین^۹ و ایران از سال ۱۹۴۲ (۱۳۲۰ خورشیدی) آغاز شد. زمانی که آژانس یهود دفتری فلسطینی را با هدف یاری‌رسانی به پناهندگان یهودی لهستانی الاصل که از روسیه آمده بودند در تهران به راه انداخت تا مقدمات مهاجرت آنها به اسرائیل را فراهم آورد. این دفتر تا سال ۱۹۷۹ به فعالیت خود ادامه داد.

1. azizollah Simāni
2. Dr. Loqmān Nehoray

۳. Shemuel Haim - این فرد به دستور رضاخان اعدام می‌شود.

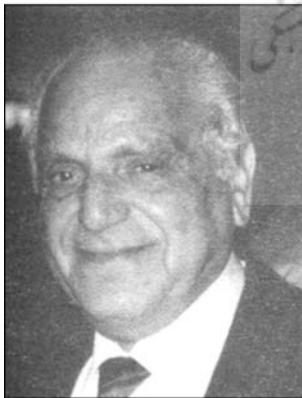
4. Morād Ariyeh
5. Dr. Mussa Berāl
6. Jamshid Kashfī
7. Lotfollah Hay
8. Yosef Cohen
9. Yishuv



مراد ادربه



جمشید کشفی



توفاله حسینی

ایران به اتفاق سایر کشورهای مسلمان و عرب در سازمان ملل متحد در مخالفت با جدایی فلسطین رأی دادند. (۲۹ نوامبر سال ۱۹۴۷) در کشمکش اعراب و اسرائیل، ایران در کنار اعراب ایستاد. از آنجا که نیاز ایران به اصلاحات اجتماعی اقتصادی این کشور را به سوی برقراری روابط نزدیکتر با غرب به ویژه ایالات متحده امریکا سوق می‌داد، پس از سفر شاه به امریکا در سال ۱۹۴۹، ایران در مارس سال ۱۹۵۰ به صورت غیر رسمی اسرائیل را به رسمیت شناخت. روابط بین دو کشور به صورت «محتاطانه غیررسمی» باقی ماند. حتی با وجودی که مأموریت‌های دیپلماتیک در پایتخت دو کشور یعنی تهران و تل‌آویو انجام می‌گرفت. این وضعیت تا اوایل سال ۱۹۷۹ به همین سیاق ادامه یافت.

روابط عملی بین دو کشور در عرصه‌های گوناگونی مثل تجارت، واردات و صادرات، پروازهای منظم ال - آل به تهران، تحویل نفت ایران به اسرائیل و مبادله دانشجویان وجود داشت. سران دو کشور به ویژه روابط مستحکمی در سه عرصه عمده یعنی کشاورزی، پزشکی و مسائل نظامی برقرار کرده بودند. متخصصین اسرائیلی در پروژه‌های توسعه‌ای مختلف نظیر پروژه قزوین در دهه ۱۹۶۰ به ایران کمک کردند. جنگ شش روزه به عنوان اوج روابط دوستانه ایران و اسرائیل، مخصوصاً در باب مسائل جاسوسی و اطلاعاتی مطرح می‌شود. شاه و

نظامیانش از پیروزی سریع اسرائیل در برابر سوریه، اردن و مصر متعجب شدند. به همین ترتیب، عقب‌نشینی اسرائیل در جنگ یوم کیپور^۱ (۱۹۷۳) موجب شد دیپلماسی عمل‌گرایانه شاه به برقراری روابط مسالمت‌جویانه با انور سادات رییس جمهور مصر منتهی شود. گفته شده است که همین سیاست شاه بود که سادات را در صلح با اسرائیل تشویق کرد. با به قدرت رسیدن [حضرت امام] خمینی(ره) در فوریه سال ۱۹۷۹، روابط دوستانه بین دو کشور تغییر کرد و جای خود را به دشمنی و خصومت سپرد. در سال ۲۰۰۶ افزایش تهدید ایران و اظهارات رییس جمهور ایران [دکتر] احمدی‌نژاد مبنی بر حذف اسرائیل از نقشه جهانی به بالا گرفتن صحبت از انجام حملات پیشگیرانه علیه ایران منجر گردیده است.

◆ یهودیان در آخرین سال رژیم پهلوی

ترقی ناگهانی اقتصادی در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ در ایران بهره‌هایی هم برای یهودیان بر داشت. بسیاری از یهودیان ثروتمند شدند^۲ که همین امر آنها را قادر به فراهم آوردن زمینه تحصیلات عالی برای فرزندانشان ساخت. در سال ۱۹۷۸ در حدود ۸۰/۰۰۰ یهودی در ایران بسر می‌بردند که یک چهارم از ۱٪ کل جمعیت این کشور را تشکیل می‌دادند.

1. Yom Kippur

۲. گزارش امور خارجه دولت شاهنشاهی مورخ ۱۳۴۹/۲/۷:

به طور کلی می‌توان گفت هیچ یهودی متمکن ایرانی نیست که لااقل یک آپارتمان در اسرائیل خریداری کرده باشد. البته اشخاصی هم هستند مانند فامیل اتحادیه که در اینجا چندین ساختمان خریداری نموده‌اند... یهودیان ایرانی در حیفا و ناتانیا و اورشلیم با مبالغ هنگفت مشغول سرمایه‌گذاری می‌باشند. گفته می‌شود که تمام تجار فرش خیابان فردوسی تهران در اسرائیل خانه دارند. تمام سرمایه‌داران بزرگ مانند القانیان مشغول سرمایه‌گذاری در اسرائیل می‌باشند. قسمت مهمی از سرمایه‌های ایران در رشته هتل‌سازی در اسرائیل گذاشته شده است. (سازمان‌های یهودی و صهیونیستی در ایران، ص ۱۹).

حبیب لوی مورخ تاریخ یهود ایران با سرمایه خود اقدام به احداث هتل ملک سلیمان در بیت المقدس با سفارش مستقیم بن‌گوریون اولین نخست‌وزیر اسرائیل نمود.



حبیب لوی (نفر چهارم از سمت راست)
در برابر هتل کینگ داوید بیت المقدس (اورشلیم)

از میان این یهودیان، ۱۰٪ بسیار ثروتمند و غنی بودند، به همین میزان نیز یهودیان فقیر وجود داشتند^۱ (که تحت حمایت کمیته توزیع جوینت^۲ قرار داشتند) و بقیه این جمعیت نیز در طبقه متوسط تا ثروتمند طبقه بندی می شدند. تقریباً ۷۰ نفر از ۴۰۰۰ استاد دانشگاه در دانشگاه های ایران یهودی بودند؛ ۶۰۰ پزشک یهودی ۶٪ از کل جامعه پزشکی ایران را تشکیل می دادند. ۴۰۰۰

۱. موسی برال نماینده یهودی دوره شانزدهم از دوره پهلوی در اظهاراتی که در سال ۱۳۳۰ شمسی از وی در روزنامه اسرائیلی جروزالم پست منتشر شد، می گوید:
در حدود ۷۰ هزار یهودی در ایران هستند که به هیچ وجه مورد تعدی واقع نشده اند. میان این عده ۱۰ نفر میلیونر و هزار نفر ثروتمند درجه اول و پنج هزار نفر یهودی ثروتمند وجود دارد که همه بازرگان هستند. برخی از این یهودی ها به طور جدی در مقام مهاجرت برآمده اند مشروط به اینکه بتوانند دارایی خود را همراه آورده و نرخ عادلانه برای مبادله پول های خود به پول اسرائیل دریافت نمایند. (سازمان های یهودی و صهیونیستی در ایران، ص ۱۳، ۱۴).
۲. Joint Distribution Committee - مؤسسه ای امریکایی و صهیونیستی که به ظاهر وظیفه کمک به یهودیان از لحاظ معیشتی و بهداشتی را در ایران بر عهده داشت.

دانشجوی یهودی وجود داشتند که در دانشگاه‌های سراسر کشور مشغول به تحصیل بودند که خود نمایانگر ۴٪ از کل جمعیت دانشجویی بود. یهودیان ایران در طول تاریخ خود هرگز به سطح وفور نعمت، تحصیلات و تخصصی که در ده سال پایانی رژیم شاه بدان دست یافتند نرسیده بودند. تمامی این شرایط با ظهور جمهوری اسلامی ایران دگرگون شد.

◆ یهودیان ایرانی در جمهوری اسلامی ایران



حبیب‌الله القانیان

در ۱۶ ژانویه ۱۹۷۹، شاه مجبور به ترک ایران شد. دو هفته بعد آیت‌الله خمینی پس از ۱۵ سال تبعید برای به دست گرفتن قدرت وارد تهران شد. در روز یازدهم فوریه همان سال، برای نخستین‌بار در تاریخ ایران، حکومت آیت‌الله‌ها پای بر عرصه وجود نهاد و شاهنشاهی ایران جای خود را به نظام جمهوری اسلامی ایران داد. این پدیده عجیب سیاسی تغییرات مهمی در نقشه دموگرافیک جمعیت یهودی ایران ایجاد کرد. در پایان قرن بیستم - یعنی پایان بیستمین سال رژیم اسلامی در ایران - با در نظر گرفتن میزان زاد

و ولد، حدود ۳۰/۰۰۰ یهودی در ایران وجود داشت، که از این تعداد ۲۵/۰۰۰ نفر در تهران، ۳۰۰۰ نفر در شیراز و ۱۵۰۰ نفر در اصفهان زندگی می‌کردند، در حالی که باقی آنها نیز در سایر شهرهای ایران پراکنده بودند. در جمهوری اسلامی ایران، یهودیان مثل سایر اقلیت‌های مذهبی به عنوان حامیان رژیم سلطنتی در نظر گرفته می‌شدند، چرا که در زمان حکومت پهلوی

بود که آنها می‌توانستند از خوشبختی و اندازه‌هایی از آزادی نسبی برخوردار باشند و از آن لذت ببرند.

در زمان وقوع انقلاب روابط ایران - اسرائیل و همکاری‌های دیپلماتیک، اقتصادی و نظامی دو کشور به طور قابل ملاحظه‌ای مستحکم بود. در نتیجه انقلاب، موقعیت یهودیان به دلیل افکار و نظریات ضد صهیونیستی و شخصیت موجود در انقلاب به خطر افتاد. یهودیان ایران متهم به حمایت از شاه، اسرائیل، موساد، سیا و ایالات متحده آمریکا بودند که همگی تحت تعبیر «شیطان» تعریف می‌شدند.

تعدادی از یهودیان متمول، از جمله مسئول پیشین انجمن کلیمیان تهران، حبیب‌القائیان، توسط دادگاه انقلاب محاکمه و محکوم به مرگ شدند (۹ مه ۱۹۷۹). اموال یهودیان که دست کم یک میلیارد دلار ارزش داشت توسط رژیم اسلامی توقیف شد [!!!!] این وضعیت هشداردهنده باعث شد بسیاری از یهودیان ایران را ترک کنند.

در زمان حکومت جمهوری اسلامی افراد ذیل به عنوان نمایندگان جامعه کلیمیان ایران وارد مجلس (شورای اسلامی) شدند: اسحاق فرهمندپور^۱ که یک معلم بود. (برای چند ماه در سال ۱۹۷۹ و سپس تا سال ۱۹۸۲ یهودیان نماینده‌ای در مجلس نداشتند).

۱. Eshāq Frahmandpour - در عین رأی بالا از سوی یهودیان به عنوان اولین نماینده یهودی پس از انقلاب اسلامی به مجلس راه یافت. ولی اعتبارنامه وی رد شد و یهودیان تا برپایی انتخابات میان دوره‌ای، نماینده‌ای در مجلس نداشتند. تا اینکه خسرو ناقی در انتخابات میان دوره‌ای به مجلس راه یافت. لازم به ذکر است دلیل اصلی رد اعتبارنامه فرهمندپور عدم مقبولیت وی از سوی انجمن کلیمیان تهران بود. ضمن آنکه فرهمندپور نیز واجد شرایط لازم نبود.

جایگاه یهودیان در کنار سایر اقلیت‌ها پس از انقلاب به اندازه‌ای بود که نماینده آنان به نام عزیز دانش‌راد در مجلس خبرگان قانون اساسی حضور داشت و مطالبات بسیار زیادی را از سوی یهودیان مطرح و دریافت کرد. هم‌اکنون در هیچ یک از کشورهای دنیا اقلیت‌ها به دلیل اقلیت بودن در مجلس آن کشور نماینده ندارند و تنها این حق برای این عده با نگاه بشردوستانه و احترام به ادیان در جمهوری اسلامی ایران به آنها داده شده است.



موريس معتمد

خسرو ناقي^۱ [دور اول]، يك وكيل كه بين سال‌هاي ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۴ نماينده بود؛ دكتور منوچهر [كليمي] نيكروز^۲ در سال‌هاي ۱۹۸۴ - ۱۹۹۲ [دور دوم و سوم]؛ دكتور كوروس كيواني^۳ [دور چهارم] در سال‌هاي ۱۹۹۲ - ۱۹۹۶؛ دكتور منوچهر الياسي^۴ در سال‌هاي ۱۹۹۶ - ۲۰۰۰ [دور پنجم] و موريس معتمد^۵، [دور ششم و هفتم] يك مهندس از سال ۲۰۰۰ تاکنون.

◆ يهوديان ايراني در خارج از کشور

تخمين زده می‌شود که در خلال ۱۰ سال اول رژيم اسلامي در حدود ۶۰/۰۰۰ يهودی ايران را ترک کرده باشند؛ در حدود ۲۰/۰۰۰ نفر باقی‌مانده در تهران، شيراز، اصفهان و ديگر شهرهاي مرکز استان به زندگي می‌پرداختند.^۱ از ميان اين ۶۰/۰۰۰ نفری که مهاجرت کرده‌اند، در حدود ۳۵/۰۰۰ نفر مهاجرت به ايالات متحده امريکا را ترجيح دادند، در حدود ۲۰/۰۰۰ نفر به اسراييل رفته‌اند و ۵۰۰۰ نفر ديگر نيز زندگي در کشورهای اروپايی را برگزيده‌اند که عمدتاً در انگلستان، فرانسه، آلمان، ایتالیا یا سوييس مستقر شده‌اند. گسترديگی يهوديان ايراني در ايالات متحده نقشه دموگرافیک زير را در اختيار ما می‌گذارد: از کل جمعيت ۳۵/۰۰۰ نفری حدود ۲۵/۰۰۰ نفر در کاليفرنيا زندگي می‌کردند که از اين ميان حدود ۲۰/۰۰۰ نفر لس‌آنجلس را برای اقامت برگزيده‌اند؛ ۸۰۰۰ نفر از يهوديان ايراني تبار در نيويورک و لانگ آيلند زندگي

1. Khosrow Nāqi
2. Dr. Manouchehr Nikruz
3. Dr. Kuros Keyvāni
4. Dr. Manouchehr Elyāsi
5. Moris Mo'tamed

۶. عده‌ای اين رقم را ۲۵۰۰۰ نفر ذکر می‌کنند.

در هر یک از شهرهای خارج از کشور یهودیان ایرانی تلاش کردند تا برای خودشان سازمان و کنیسه‌ای تأسیس نمایند. تنها در لس آنجلس، آنها بیش از ۴۰ سازمان، ۱۰ کنیسه، ۶ مجله و یک ایستگاه تلویزیونی به راه انداخته‌اند.

می‌کنند و حدود ۲۰۰۰ نفر نیز در سایر شهرهای امریکا عمدتاً در بوستون، بالتیمور، واشنگتون، دیترویت و شیکاگو زندگی می‌کنند. در هر یک از شهرهای خارج از کشور یهودیان ایرانی تلاش کردند تا برای خودشان سازمان و کنیسه‌ای تأسیس نمایند. تنها در لس آنجلس، آنها بیش از ۴۰ سازمان، ۱۰ کنیسه، ۶ مجله و یک ایستگاه تلویزیونی به راه انداخته‌اند. جمعیت یهودیان ایرانی

الاص ایالات متحده اغلب دارای تحصیلات خوب و موقعیت مالی باثباتی هستند. تحصیلات یکی از قوی‌ترین ارزشهایی است که جمعیت یهودیان ایرانی که خود را گل سرسید تمام گروه‌های مهاجر در ایالات متحده می‌دانستند بر آن تأکید می‌ورزیدند. یهودیان ایرانی با خودشان پول، پزشک، مهندس، بازرگان با تحصیلات عالی، کلاس بالا و افراد حرفه‌ای در بیشتر عرصه‌ها به امریکا برده‌اند. بسیاری از آنها در منازل جدیدشان در ایالات متحده، اروپا و اسرائیل وضع خوبی پیدا کرده‌اند.

◆ سنت‌های موسیقایی^۱

ماترک موسیقایی یهودیان ایرانی تبار شامل سبک‌های متفاوت گوناگونی است. طبیعت

۱. در این بخش نویسنده بدون ذکر جایگاه یهود و موسیقی آن در ایران و همچنین میزان تبادل دستاوردهای آن با موسیقی ایرانی تنها به ذکر سنت‌ها و عمدتاً جهت‌گیری موسیقی یهودی می‌پردازد و حتی از ذکر نام بزرگان یهودی این عرصه اجتناب می‌کند و طبیعتاً دیگر به جایگاه یهودیان در پرورش و رشد مطربی در ایران نیز اشاره‌ای نمی‌کند.

موسیقی غیر کنیسه‌ای آنها و رویکرد عمومی‌شان به موسیقی و روشی که این موسیقی به اجرا درمی‌آید، همگی با آنچه در میان هموعان غیر یهودی آنها در جریان است یکسان می‌نماید. دلبستگی به شعر و موسیقی‌ای که از مشخصه‌های اولیه و بسیار ریشه‌دار فرهنگ ایرانیان بوده است، در میان یهودیان نیز یافت می‌شود، البته با عنایت به همسانی‌ای که به پرورش این دست هنرها، ارتباط ویژه موسیقی با بیان اندوه^۱، مکاشفه و شغف عرفانی و ایده مشابهی از رنگ و تولید صدا اختصاص می‌یابد. برخی از این مشخصه‌ها در جهت سازگاری با شرایط اختصاصی فرهنگ یهود دچار دگردیسی شده‌اند. تمایل به تصوف و عرفان، کامل‌ترین ترجمان خود را در اشتیاق برای زوهر^۲، می‌یابد که با لحن موسیقایی خاصی خوانده می‌شود. اهمیت وافری به سوگواری مردگان داده می‌شود، که خود گنجینه‌ای غنی و جالب است و احیانا قابل قیاس با تعزیه شیعیان پارسی است که نوعی نمایشنامه مذهبی به زبان بومی می‌باشد و برای زنده نگه داشتن تراژدی‌هایی که مذهب شیعه را متمایز می‌کند اجرا می‌شود.

علی‌رغم برخی شباهت‌ها در سبک و شکل، پیگیری تأثیر عنصر [و نمادهای] ایرانی در سنن کنیسه‌ای، کار دشواری است. در ساختار ملودی‌های از نوع ریتم آزاد یا رسیتاتیف (اپرایی)، ای. زد ایدلسوهن^۳ شباهت‌های زیادی با سنت کنیسه‌ای یهودیان یمنی^۴ ایجاد کرده است. رسومی همچون زمزمه پنتاتوچ^۵ آنها در میان سنن باستانی‌تر قرار دارد و کانون نسبتاً انحصاری الحان تفرقه‌افکنانه اصلی می‌باشد (به الحان مازورتیک^۶، تفسیر موسیقایی^۷ مراجعه

۱. ویژگی موسیقی یهودی به ویژه با به کارگیری سازهایی همچون ویولن باید القا کننده وضعیت به اصطلاح

آوارگی یهود به منظور مظلوم‌نمایی باشد.

۲. Zohar - از منابع عرفان یهود یا قبلا می‌باشد.

3. A.Z. Idelsohn
4. Yemenite
5. Pentateuch
6. Masoretic Accents
7. Musical Rendition

نمایید). از سوی دیگر، غالب پیوتیم‌های متریک (موزون) - اکثراً آنهایی که مربوط به تعطیلات بزرگ هستند - با آهنگهایی سروده می‌شوند که در تمام منطقه خاور نزدیک، یعنی جمعیت «سفاردی شرقی»^۱ مشترک‌اند.

در حوزه‌های نیمه مذهبی و سکولار (دنیوی)، شعر و موسیقی یهودیان ایرانی با استثناهایی، بخشی از فرهنگ عمومی محسوب می‌شوند. در میان اینها کارهایی از اشعار یهودی غیر ایرانی مثل نجارای اسراییل^۲ که از ترجمه یهودی - فارسی آن استفاده می‌گردد و در موقعیت‌هایی مثل سئوداه شلیشیت^۳ و بکاشوت^۴ خوانده می‌شود (در میان یهودیان فارسی زبان، برخلاف دیگر جمعیت‌های یهودی، این ترجمه به جای کنیسه در منزل خوانده می‌شود).

تأثیرگذارترین محصول موسیقایی در حوزه سروده‌های حماسی می‌باشد. در اینجا یهودیان فارسی زبان پیروی گام به گامی از مدل فارسی در زبان، وزن و اجرای موسیقایی می‌کنند، گرچه شعرا و موسیقی‌نوازان یهودی به طور طبیعی از دستاوردها و تاریخ مردم خودشان می‌سرایند. برجسته‌ترین نماینده شعر حماسی «شاهین»^۵، شاعری یهودی و ایرانی‌تبار متعلق به قرن ۱۴ میلادی است. تفسیر و تأویل شعری از بخش‌های روایی پنتاتوچ که به اختصار شاهین^۶ نامیده می‌شود، آشکارا در بعد از ظهرهای سبات^۷ و در گردهمایی‌های جشن‌گونه توسط «خوانندگان حماسه‌سرا»^۸ی مجرب سروده می‌شود. جمعیت، گرچه کلمه به کلمه این سرودها را از بر می‌داند، ولی هربار اشتیاق و حرارت جدیدی از خود بروز می‌دهد. شاهین همچنین از موارد مورد علاقه در بخارا^۸ محسوب می‌شد که به عنوان ولایت فرهنگی یهودیان

1. eastern Sephardi
2. Israel Najara
3. Se'udah Shlishit
4. Bekkashot
5. Shahin
6. shāhīn
7. Sabbat
8. Bukhara

فارسی زبان یهود بود. خود شاهین و شعرای پس از او مخصوصاً عمرانی ترانه‌های حماسی دیگر با عناوین یهودی به نگارش در آورده‌اند که به محبوبیت عظیمی دست یافته‌اند. شاخه دیگر از شعر، البته با طبیعتی عامیانه‌تر از سروده‌هایی تشکیل می‌شود که در رقابتی بین شاعران برای سرودن فی‌البداهه ساخته شده‌اند. این دست اشعار در جشن‌های خانوادگی، پس از نوشیدن پیمان‌های شراب و در رقابتی بین خوانندگان شاعرپیشه به اجرا درمی‌آید و فضای خوب سرخوشی را به جمع می‌افزاید.

◆ کتابشناسی

E. Abrahamian, *Iran Between the Two Revolutions* (1982); P. Avery, *Modern Iran* (1965); *Bulletin de l'Alliance Israelite Universelle*, Paris; I. Ben-Zvi (1935), *Nidhei Yisrael* (1935, 1965); Sh. Bakhash, *The Reign of the Ayatollas: Iran and the Islamic Revolution* (1984); A. Banani, *The Modernization of Iran: 1921-1941* (1961); U. Bialer, "The Iranian Connection in Israel's Foreign Policy"; in: *The Middle East Journal*, 39 (Spring 1985), 292-315; G.N. Curzon, *Persia and the Persian Question*, 1-2 (1892), index; R. Graham, *Iran: The Illusion of Power* (1979); F. Halliday, *Iran: Dictatorship and Development* (1979); Sh. Hillel, *Ruah Qadim* (1985); S. Landshut, *Jewish Communities in the Muslim Countries of the Middle East* (1950), 61-6; G. Lenczowski, *Russia and the West in Iran, 1918-1948* (1949); idem, *Iran under the Pahlavis* (1978); H. Levy, *History of the Jews of Iran*, vol.3, (1960); A. Netzer, "Beayot ha-Integra?ya ha-Tarbutit, haaijevratit ve-ha-Politit shel Yehudei Iran," in: *Gesher*, 25:1-2 (1979), 69-83; idem, "Yehudei Iran, Israel, ve-ha-Republikah ha-Islamit shel Iran"; in: *ibid.*, 26:1-2 (1980), 45-57; idem, "Iran ve-Yehudeha beshat Derakhim Historit"; in: *ibid.*, 1/106 (1982), 96-111; idem, "Tekufot u-Shelavim be-Mazav ha- Yehudim ve-ha-Pe'ilut ha-?iyyonit be-Iran"; in: *Yahdut Zemanenu*, 1 (1983), 139-62; idem, "Yehudei Iran be-Arztot ha-Berit"; in: *Gesher*, lino (1984), 79-90; idem, "Anti-Semitism be Iran, 1925-1950," in: *Peamim*, 29 (1986), 5-31; idem, "Jewish Education in Iran," in: H.S. Himmelfarb and S. DellaPergola (eds.), *Jewish Education*

Worldwide, (1989), 447-61; idem, "Immigration, Iranian"; in: J. Fischel and S. Pinsker (eds.), *Jewish-American History and Culture* (1992), 265-67; idem, "*Persian Jewry and Literature: A Socioocultural View*"; in: H.E. Goldberg (ed.), *Sephardi and Middle Eastern Jewries* (1996), 240-55; J. Nimrodi, *Massa' Hayyay*, 1-2 (2003); *The Palestine Year Book*, 3 (1947-1948), 77; R.K. Rarnazani, *Revolutionary Iran* (1986), 282-5; idem, *The Foreign Policy of Iran: 1500-1941* (1966); Sh. Segev, *Ha-Meshullash ha-Irani* (1981); *Ha-Shenaton ha-Statisti le-Israel* (2002); *Shofar* (Jewish monthly in Persian published on Long Island), 243 (May 2001), 22ff.; B. Souresrafil, *Khomeini and Israel* (1988); J. Upton, *The History of Modern Iran: An Interpretation* (1968); D.N. Wilbur, *Iran, Past and Present* (1948); M. Yazdani, *Records on Iranian Jews Immigration to Palestine (1921-1951)* (1996), 61, 67, 110; Idelson, *Melodien*, 3 (1922).



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی